

1- عضو کادر علمی پوهنځی شرعیات پوهنتون سلام

تلفون: +93788314991

پست الکترونیک: [prolbalkhi@gmail.com](mailto:prolbalkhi@gmail.com)

### چکیده

اقوال، افعال و تقدیرات رسول الله صلی الله علیه وسلم که نزد علمای اصول بنام سنت و نزد علمای حدیث به آن اصطلاح حدیث اطلاق می گردد به حیث دومین مصدر در شریعت اسلامی می باشد، برای جمع آوری آن دانشمندان اسلامی تلاش های طاقت فرسای او متحمل گردیدند تا بتوانند برای نسل های بعدی امت اسلامی آن را انتقال دهند؛ در این مقاله تلاش صورت گرفته تا علم حدیث و مراحل تاریخی آن مورد بررسی همه جانبه قرار گیرد.

### معلومات مقاله

تاریخ نشر: 1390/06/13

شماره مقاله در ژورنال: 01

تعداد صفحات: 07

شماره نوبتی مجله: 01

### کلید واژه ها

علم حدیث، علم روایت، علم

درایت، سند، متن

### معلومات مجله:

مجله علمی پوهنتون سلام، نشرات خویش را از سال 1390 هـ.ش آغاز نموده و دست آورد های زیادی در این زمینه دارد، در ادامه سلسله فعالیت های خویش به تاریخ 1401/03/22 اعتبار نامه خویش را به عنوان یکی از معتبرترین مجله از وزارت محترم تحصیلات عالی کشور به دست آورد، آدرس: افغانستان، کابل، ناحیه چهارم، کلوله پشته، چهار راهی قلعه بست (گل سرخ)، پوهنتون سلام.  
وبسایت: <https://salam.edu.af/magazine>، ایمیل: [salamuk@salam.edu.af](mailto:salamuk@salam.edu.af)، شماره های تماس: +93202230664 و +93788275275

### مقدمه

قبل از اینکه به ذکر مراحل تاریخی و ادوار زمانی علم حدیث آغاز کنیم در مقدمه معنای (علم حدیث) و موارد استعمال آن و اینکه این کلمه نزد علمای حدیث چه مفهوم دارد را توضیح و پس از آن به بررسی مراحل تاریخی آن می پردازیم:  
علم حدیث: این لفظ از نظر لغت معنای فهم حدیث، درک حدیث و شناخت آن را افاده می کند اما نزد علمای حدیث بحیث یک اصطلاح حدیثی دو مورد استعمال دارد:

أ. علم روایت حدیث که انرا درعربی (علم الحدیث بالروایة) می گویند.

ب. (علم درایت حدیث) که درعربی (علم الحدیث بالدرایة) گفته می شود.<sup>1</sup>

وچون علم حدیث از نظر استعمال علماء حدیث به دوفرع ذکر شده تقسیم گردیده است پس برای شناخت همه جانبه این اصطلاح ناگزیریم که به ذکر تعریف هریک ازین دو و بیان غرض و موضوع هر کدام بپردازیم تا باشد که معلومات کافی در مورد هریک حاصل گردد.

1. علم روایت حدیث: دانشمندان و پژوهشگران این علم، تعبیرات مختلف و عبارات گوناگون درباره تعریف (علم روایت حدیث) ایراد کرده اند<sup>2</sup> که این مقاله مختصر گنجایش نقل همه آنها را ندارد و از طرف دیگر به اکثر این تعریفها اعتراضات و انتقادات موجود است. پس از نظر نویسنده بهترین و جامع ترین این تعریفها تعریفی است که نورالدین عتر در کتابش (منهج النقد...) آنرا اختیار کرده و به عبارت ذیل آورده است: (وهو علم یشتمل علی اقوال النبی صلی الله علیه وسلم و افعاله و تقریراته و صفاته و ضبطها و تحریر الفاظها)<sup>3</sup> علم روایت حدیث: علم نیست که شامل گفتار، کردار، تقریرات، تأییدات و صفات رسول الله صلی الله علیه وسلم بوده و در برگیرنده حفظ و ضبط آنها و مشتمل بر تحریر و کتابت الفاظ آنها می باشد.

موضوع علم روایت حدیث: برخی از دانشمندان موضوع این علم را- ذات رسول الله صلی الله علیه وسلم از حیث پیغمبر بودنش- گفته اند که این امر از نظر جامع و مانع بودن موضوع، مورد مناقشه و اعتراض قرار گرفته است، پس بهتر آنست که گفته شود موضوع (علم روایت حدیث) عبارت از آن کردار و گفتاریست که به رسول الله صلی الله علیه وسلم و به صحابه و تابعین نسبت داده شده است چه درین علم، از روایت آن اقوال و افعال و ضبط و بررسی آنها و شناخت صحت و ضعف آنها بحث می گردد. غرض و غایه (علم روایت حدیث): غرض این علم صیانت از خلل و دوری از نقصان درنقل حدیث است، و البته این امر بستگی با آن دارد که احادیث رسول الله صلی الله علیه وسلم طوریکه از او نقل شده است بدون تحریف و تغییر حفظ گردد و با شرح و بسط معانی آن موردعمل قرار گرفته احکام و فواید آن استنباط، و مورد اجرا و تطبیق قرار بگیرد.

2. علم درایت حدیث: (علم درایت حدیث) را بنامهای علم مصطلح الحدیث و علم اصول حدیث و علم علوم الحدیث<sup>4</sup> نیز یاد می کنند،

3. عزالدین بن جماعة در مورد تعریف، غرض و موضوع آن گفته است: (علم الحدیث علم بقوانین يعرف بها احوال السند و المتن، و موضوعه السند و المتن و غایته: معرفة الصحیح من غیره)<sup>5</sup>

علم درایت حدیث: عبارت از دانستن آن قوانینی است که بواسطه آنها احوال و کیفیت سند و متن شناخته می شود.

موضوع آن: سند و متن است.

و غرض آن: شناخت حدیث صحیح از غیر صحیح می باشد.

و ازینکه در تعریف و موضوع علم حدیث از (سند و متن) و احوال سند و متن ذکر بمیان آمده ضروری دانسته می شود که (سند) و (متن) تعریف و احوال (سند و متن) واضح گردد:

### تعریف سند:

سند و اسناد در اصطلاح محدثین به یک معنی استعمال شده است، ابن حجر عسقلانی در شرح نخبه چنین تعریف می کند: (الاسناد حکایة طریق المتن)<sup>6</sup> سند و اسناد عبارت از حکایت و نقل طریق متن است و دکتر طحان در تیسیر مصطلح الحدیث چنین تعریف کرده است: (سلسلة الرجال الموصلة للمتن)<sup>2</sup> یعنی سند و اسناد عبارت از سلسله روایانست که به متن می انجامد.

اما نورالدین عتر در مورد دقت بیشتر به خرج داده اولاً به فرق سند و اسناد اشاره نموده سپس نقطه ترادف هر دو را ذکر کرده گفته است: (أما السند فالمراد به عند المحدثین، حکایة رجال الحدیث الذین رووه واحداً عن واحد الی رسول الله صلی الله علیه وسلم)<sup>7</sup> مراد از سند در نزد محدثین باز گوئی مردانی در حدیث است که یکی بعد از دیگری آنرا نقل نموده تا به رسول الله صلی الله علیه وسلم رسانیده اند.

**و اما احوال سند:** عبارت از همان حالات و کیفیاتی می باشد که به سند عارض می شود مانند: اتصال، انقطاع، تدلیس، سوءحفظ، متهم شدن راوی به فسق و با دروغ و امثال آنها.

**اما تعریف متن:** متن در لغت از متن که بمعنای زمین سخت و مرتفع است گرفته شده است و در اصطلاح اکثر علماء متن را چنین تعریف کرده اند: (مابینیه الیه السند من الکلام)<sup>8</sup> متن عبارت از کلامیست که سند به آن پایان می یابد.

**و اما احوال متن:** مانند مرفوع، موقوف، صحیح و شاذ بودن و امثال آنها صفاتی است که بر آن عارض می شود.

اگرچه در مورد هدف و غایه علم حدیث گفته شد که شناخت حدیث صحیح از غیر آن می باشد برای توضیح هر چه بیشتر این مطلب می توان به نکات ذیل اشاره کرد:

\* دکتر محمد اسماعیل لیب، بلخی پوهاند در رشته علم حدیث، استاذ در دیپارتمنت تعلیمات اسلامی پوهنخی شرعیات و معاون علمی مؤسسه تحصیلات عالی سلام کابل.

<sup>1</sup>- منهج النقد فی علوم الحدیث ص 30.

<sup>2</sup>- تدریب الروای صفحه 4 ارشاد القاصد لابن الأکفانی - فتح الباقی شرح الفیة الحراقی 7/1 و الکواکب الراوی فی شرح صحیح البخاری الکرمانی 2/1.

<sup>3</sup>- منهج النقد فی علوم الحدیث ص 31.

<sup>4</sup>- فتح الغیث شرح الفیة الحدیث المحراقی 12/1.

<sup>5</sup>- تدریب الروای للسهبوطی ص 5 و قواعد التحدیث للقاسمی ص 75.

<sup>6</sup>- نزهة النظر شرح نخبة الفكر لابن حجر العسقلانی، ص 9.

<sup>7</sup>- منهج النقد فی علوم الحدیث ص 33.

<sup>8</sup>- شرح شرح نخبة الفكر لملا علی القاری ص 19 و نزهة النظر ص 9.

1. از فوائد این علم آنست که با وضع قواعد و اصول آن، احادیث صحیح از غیر صحیح شناخته شده، و سخنان رسول الله صلی الله علیه و سلم با سخنان دیگران خلط نگردیده، دین اسلام از تحریف و تبدیل محفوظ و مصئون می ماند.
  2. با همین ضوابط و اصول، علماء از تساهل در روایت حدیث که ناروا خوانده شده است جلوگیری بعمل می آورند و درین مورد رسول الله صلی الله علیه و سلم فرموده اند: ( من حدث عنی بحدیث یری أنه کذب فهو أحد الکاذبین)<sup>1</sup> کسیکه از من روایت کند حدیثی را که گمان می کند که آن حدیث دروغ است پس او یکی از دروغگویان است.
  3. با این علم شریف می توان ذهنیتها را از خرافات پاکسازی نمود زیرا بهبود و دیگر دشمنان اسلام خرافات و داستانهای دروغین و افسانه های بی اساس را بنام دین در بین مردم و مسلمانان پخش و نشر نمودند و خواستند که مسلمانان حق و باطل، خوب و بد را از هم نشناخته به تفرقه و تباهی کشانیده شوند، پس هرگاهی که دانشمند مسلمان و متخصص حدیث به رد این دروغها و تهمت ها می پردازد او درحقیقت درپهلوی اینکده واجب دینی خود را ادا می نماید یک عمل بزرگ انسانی و اخلاقی را نیز انجام می دهد، زیرا وی با رد این خرافات به تربیه عقلهای ضعیف و اذهان شکار شده می پردازد، تربیه سالم که درست فکر کند و درست بیاندیشد و در شاهره زندگی خویش در پرتو علم و عقل صحیح و روش سالم در حرکت شود.
- مراحل تاریخی علم حدیث: بعد از تعریف علم حدیث و تقسیم آن به علم روایت حدیث و علم درایت حدیث، اکنون به ذکر مراحل تاریخی آن که اکثر دانشمندان و متخصصین آنرا به هفت دوره تاریخی تقسیم بندی کرده اند<sup>2</sup> بصورت مختصر و مفید می پردازیم.

### مرحله اول: دوره نشأت و ظهور

این دوره عبارت از عصر صحابه رضوان الله علیهم اجمعین بوده که تا پایان قرن اول هجری ادامه دارد، و این دوره دارای ویژگیهای بخصوص است که در ادوار بعدی این خصوصیات دیده نمی شود، برخی قواعد کلی علوم حدیث درین عصر اولاً از طرف رسول الله صلی الله علیه و سلم و سپس از جانب اصحاب وضع گردید ولی این قواعد و اصول بصورت تفصیلی و منبسط نبوده بلکه بشکل کلی و مختصر، عرض ظهور کرده است چون دوافع برای آن کمتر احساس می گردید، زیرا صحابه همه از اخلاص و ایمان داری قوی برخوردار بوده سعادت دنیا و آخرت و راه وصول به مجد و عزت را در پیروی از اسلام و در متابعت از کتاب الله و سنت رسول الله میدانستند و این حدیث رسول الله صلی الله علیه و سلم را مشعل راه خود ساخته بودند که فرموده است: ( ترک فیکم امرین لن تضلوا ماتمکتکم بهما کتاب الله و سنته رسوله)<sup>3</sup> بین شما دو چیزی گذاشتم که هر گز گمراه نمی شوید تا وقتی که به آنها متمسک باشید که آن دو کتاب الله و سنت رسول الله می باشد. و روی همین اصل احادیث را با کمال اخلاص و عقیده حفظ نموده جزئیترین تساهل را درین مورد روا نمی دیدند، اما ناگفته نباید گذاشت که برخی از صحابه به حفظ حدیث اکتفا نکرده بعضی از مسایل مهم و احادیث را در صحیفه ها و رساله های کوچک می نوشتند که از جمله می توان صحیفه های ذیل را نام برد:

- 1- صحیفه صادق عبدالله بن عمر و بن العاص، که او خود بآن فخر و اعتزاز می نمود، طوری که گفته است: ( ما یرغنی فی الحیاة الا الصادقة والوهط)<sup>4</sup>. در زندگی دو چیز مرا ترغیب و شوقمند نموده که یکی صادق (صحیفه صادق) و دیگری وهط<sup>5</sup> است.
  - 2- صحیفه حضرت علی رضی الله عنه که مقادیر دیات و احکام آزادی اسیران در آن تحریر یافته بود.
  - 3- صحیفه سعد بن عبادة، که فرزند سعد روایت می کند: (وجدنا فی کتاب سعد أن النبی صلی الله علیه و سلم قضی بالیمین والشاهد)<sup>6</sup> در کتاب سعد دریافتیم که رسول الله صلی الله علیه و سلم به قسم و شاهد حکم نموده اند.
- والبته توجیهاات رسول الله صلی الله علیه و سلم بآنها در حفظ دین و نگهداری آن از تحریف و تغییر، که در آیات متعدد و احادیث، بار بار تذکر یافته است، صحابه را واداشت تا اصول و ضوابط را برای روایت حدیث و حفاظت آن از تحریف و خلط و تغییر وضع نمایند و چون اصل عدالت موجود بوده و صحابه کرام بالا تفاق همه از عدالت بر خوردار بودند، لذا به وضع قواعد جرح و تعدیل ضرورت دیده نمی شد، بلکه تنها ضرورت بوضع قواعدی بود که از وهم و خطا در روایت جلوگیری نماید؛ ازینرو قوانین روایت در عهد صحابه در شماره های ذیل خلاصه می گردد.
- 1- قلت روایت از رسول الله صلی الله علیه و سلم: واین کار به خاطر خوف خطا و لغزش در کثرت روایت بود و در جمله صحابه ابو بکر و عمر رضی الله عنهما درین مورد بیشتر تشدد می نمودند و بلکه شعار همه صحابه این حدیث گردیده بود (کفی بالمرء کذباً أن یحدث بکل ماسمع)<sup>7</sup> این دروغ به انسان کافیهست که هر آنچه شنیده است روایت کند.
  - 2- تثبیت و احتیاط در روایت: هم در اخذ و سماع و هم در روایت و اداء، ابوبکر و عمر رضی الله عنهما اولین کسانی بودند که درین امر احتیاط بیشتری بکار می بردند، داستان ابوبکر در میراث جده و حکایت عمر با ابو موسی اشعری در حدیث استیذان، بیانگر این واقعیت است.
  - 3- نقد روایت یعنی شناخت صحیح و تمیز آن از ضعیف: نقد در عهد صحابه غالباً با تطابق روایت بانصوص و قواعد دین صورت می گرفت مثل داستان فاطمة بنت قیس<sup>1</sup> که عمر رضی الله عنه قول او را در مورد عدم تعیین رسول الله صلی الله علیه و سلم نطقه و مسکن را برای مطلقه

<sup>1</sup> - مسلم در مقدمه 7/1 والطبرانی در المعجم الكبير ج 1 ص 144 و ترمذی در ابواب علم ج 5 ص 36 و منذری در ترغیب و ترهیب ج 1 ص 111 و الطحاوی در مشکل الآثار 199 و کنز العمال حدیث 29171، 29343 و فیض القدير ج 6 ص 166.

<sup>2</sup> - دكتور نورالدین عتر در کتابش منهج النقد فی علوم الحدیث با تفصیل بیشتر درین مورد قلم فرسائی کرده است، منهج النقد از صفحه 36 تا 72.

<sup>3</sup> - مشکاة المصابیح حدیث رقم 186، سلسله الاحادیث الصحیحة للالبانی حدیث 1761 و موطأ مالک کتاب القدر حدیث رقم 899، تجرید التمهید لابن عبدالبر 816.

<sup>4</sup> - سنن دارمی ج 1 ص 127.

<sup>5</sup> - وهط زمین پست و گودال را گویند و مراد از آن زمین وقفی بود که پدر عبدالله عمر و بن العاص آنرا در طائف وقف نموده بود و عبدالله سر پرستی آنرا به عهده داشت.

<sup>6</sup> - تحفة الاحوذی ج 2 ص 280 و مسند احمد بن حنبل ج 5 ص 285.

<sup>7</sup> - مقدمه صحیح مسلم ص 8 بخاری باب العلم ج 1 ص 29 سنن ابن ماجه ج 10 ص 13.

رد کرد وگفت: ( لانتړک کتاب ربنا وسنة نبينا بقول امرأة لاندري لعلها حفظت أم نسيت، لها السكنى والنفقة قال الله عزوجل: (لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ)².

عمر رضی الله عنه گفت ما کتاب پروردگار خود وسنت پیغمبر خویش را به سخن زنی که شاید حفظ نموده باشد یافراموش کرده باشد ترک نمی کنیم مطلقه حق مسکن و نفقه دارد و خداوند فرموده است: بیرون مکنید ایشانرا از خانه هایشان و باید که ایشان بیرون نروند مگر آنکه بی حیایی آشکار را بعمل آورند. والته این عمل برای احتیاط در حفظ حدیث و ضبط آن صورت می گرفت نه برای اتهام و سوء ظن طوریکه عمر رضی الله عنه به ابو موسی اشعری گفت: ( اینی لم أتهمک ولكن أحببت أن أثبت) من ترا متهم به دروغ نمی کنم ولیکن خواستم که خوب متیقن شوم، آری با ظهور فتنه که منجر به قتل حضرت عثمان و بعدها به قتل حسین رضی الله عنهما گردید، مشکلات در عرصه حدیث بروز کرد، چون ظهور فرقه های منحرف و گروه های مبتدع باعث وضع در حدیث رسول الله صلی الله علیه وسلم گردید که هر گروه برای تأیید و تقویت بدعت خویش و جذب مردم احادیث را وضع و به رسول الله صلی الله علیه وسلم نسبت می دادند؛ ولی صحابه بزرگوار قوی ترین وسائل در بحث و بررسی و نقد احادیث را بکار بردند، موضوع اسناد در حدیث مطرح شد و از احوال راویان استفسار به میان آمد طوریکه ابن سیرین می گوید: ( لم یکنوا یسألون عن الاسناد فلما وقعت الفتنة قالوا سمو لنا رجالکم فی نظر الی حدیث أهل السنة فیؤخذ حدیثهم وینظر الی أهل البدع فلا یؤخذ حدیثهم)³. مردم از اسناد نمی پرسیدند و قتیکه فتنه بمیان آمد می گفتند از راویان سند خویش نام ببرید پس به حدیث اهل سنت دیده می شد و به آن عمل صورت می گرفت و به اهل بدعت نظری گردید و به حدیث شان عمل نمی گردید و به همین ترتیب علماء صحابه مردم را به احتیاط در روایت حدیث فرا خواندند و به شکل یک قاعده این کلمات زمزمه می شد: (انما هذه الأحادیث دین فا نظروا عن تأخذونها)⁴ این احادیث دین است پس متوجه شوید که از چه کسی آنرا می گیرید. و بدینگونه رحلات و سفرها برای شنیدن یک حدیث از راوی اصل و نخستین صورت می گرفت و در عصر صحابه به رحلات ها و سفرها اهمیت زیاد قایل بودند و سفر برای حدیث از وسائل تثبت و احتیاط بشمار می رفت و صحابه کرام با وسائل که از آن ها ذکر بعمل آوردیم احادیث صحیح را از سقیم و قوی را از ضعیف تمییز می دادند و در حقیقت عصر اول به پایان نرسیده بود که دنوع حدیث - حدیث مقبول که بعد ها بنام صحیح و حسن تقسیم شد و حدیث مردود که بنام ضعیف مسمی گردید- بمیان آمد.

### مرحله دوم: دوره تکامل:

این مرحله از آغاز قرن دوم تا شروع قرن سوم ادامه دارد و این مرحله مصادف با زمانی است که اسلام به اکثر مناطق جهان انتشار یافته و دائره آن وسیع گردیده است، و بیشترین صحابه از جهان چشم پوشیده اند، ازینرو اگر از یکطرف حفظ و ضبط احادیث در سینه ها ضعیف گردیده بود از طرف دیگر تعداد رجال سند به اثر دوری از عهد رسول الله صلی الله علیه وسلم زیاد شده، و این باعث شد که درسند علل ظاهری و قوایح باطنی داخل گردد، و در کنار اینها فرقه ها منحرف چون معتزله، خوارج و جبریه نیز بمیان آمده اند، اینها همه عواملی بودند که علماء اسلام و محدثین را واداشت تا به مقابله آنها قیام و به رفع نیاز مند بهای مذکور دست به اقدام زنند، همانبود که مسائل ذیل درین دوره عرض وجود نمود:

1- تدوین و جمع آوری احادیث تقریباً بصورت رسمی صورت گرفت، امام بخاری روایت می کند: (ان عمر بن عبدالعزیز کتب الی ابی بکر بن حزم انظر ما کان من الحدیث عن رسول الله صلی الله علیه وسلم فا کتبه فانی خفت دروس العلم و ذهاب العلماء)⁵. عمر بن عبدالعزیز به ابی بکر بن حزم، قاضی و والی اش نوشت: ببین آن حدیثکه از رسول الله صلی الله علیه وسلم ثابت شده است نوشته کن، زیرا من می ترسم که علم ضایع گردد و علماء از بین بروند.

و باین ترتیب برای اولین بار تدوین آغاز یافت، و نخستین کسانی که به جمع احادیث پرداختند اشخاص آتی بودند:

- ابن جریر متوفای (۱۵۰) درمکه.
- ابن اسحاق متوفای (۱۵۱) و امام مالک متوفای (۱۷۹) در مدینه.
- ربیع بن صبیح متوفای (۱۶۰) و سعید بن عروه متوفای (۱۵۶) و حماد بن سلمه متوفای (۱۷۶) در بصره.
- سفیان ثوری متوفای (۱۶۱) در کوفه.
- امام اوزاعی متوفای (۱۵۶) در شام.
- هشیم متوفای (۱۸۸) در اوسط.
- معمر متوفای (۱۳۵) در یمن.
- جریر بن عبدالحمید متوفای (۱۸۸) در ری.
- ابن المبارک متوفای (۱۸۱) در خراسان.⁶

1- این قصه را مسلم در طلاق ج 4 ص 198، بخاری در باب قصه فاطمة بنت قیس ج 7 ص 73 و ابو داود ج 2 ص 288 و ترمذی ج 3 ص 484 و نسائی ج 2 ص 116 و ابن ماجه ص 653 و موطا ج 2 ص 30 و مسند احمد ج 6 ص 73 آورده است.

2- سوره طلاق آیه (۱)

3- منهج النقد ص ۵۵.

4- الجرح والتعديل لابن ابی حاتم ۱/۱۵ عن عدد من التابعین.

5- صحیح البخاری ج ۱ ص ۲۷.

6- مفتاح السنة اوتاریخ فنون الحدیث ص ۲۱.

لیکن همه اینها احادیث را با اقوال صحابه و فتاوی تابعین مختلط جمع نموده بودند واکثراً درین امر با امام مالک در موطن اقتدا کردند و همان بود که درین مرحله مقدار زیاد احادیث درجوامع و مصنفات گرد آوری گردید که می توان جامع معمر بن راشد، جامع سفیان الثوری و جامع سفیان بن عیینه را در جوامع و مصنف عبدالرزاق و مصنف حماد بن سلمه را در مصنفات نام برد.

2- و چونکه درین مرحله حفظ به ضعف گراییده اهواء و بدعات انتشار یافته ضعف حدیث در ساحه بیشتر بوقوع پیوسته بود، علما درین برحه زمانی سعی بیشتر در نقد رجال و جرح و تعدیل بخرچ دادند و حتی مجموعه باین کار متفرغ شده و با آن شهرت یافتند که از جمله میتوان شعبه بن الحجاج (ت-۱۶۰) و سفیان الثوری (ت-۱۶۱) و عبدالرحمن بن مهدی (ت-۱۹۸) و غیره را نام برد.

1- در پذیرش حدیث احتیاط بیشتر بمیان آمد و کسیکه معروف به حدیث نبود در قبول روایت او توقف می نمودند، امام مسلم در مقدمه صحیح خودش از ابوالزناد روایت می کند: (ادریک بالمدینه مائة کلمه مأمون، مایوخذ عنهم الحدیث، یقال: لیس من أهله)<sup>۱</sup> در مدینه صد نفری را یافتیم که همه در دیانت مورد اعتماد بودند ولی از آنها حدیث روایت نمی شد، گفته می شد که از اهل حدیث نیستند.

2- بحث و کنجکاوی بیشتر در مورد کشف علل حدیث صورت گرفت و بسا قواعد جدید درین باب وضع شد.

3- رحلت و سفر برای طلب حدیث درین قرن جزء از ضروریات تحصیل طالب العلم دانسته می شد.

رویه مرفته برخی از قواعد و ضوابط درین مرحله بمیان آمد لیکن همه آنها در سینه های علماء محفوظ بوده و در کتاب خاص تدوین نیافته بود مگر برخی از موضوعات که بصورت پراکنده در کتاب الرساله امام شافعی از آنها بحث بمیان آمده بود و امام شافعی در (الرساله) از شروط حدیث صحیح، و حدیث قابل استدلال، و از شرط حفظ راوی و شرط روایت بالمعنی و از تدلیس و قبول حدیث مرسل سخن رانده است.<sup>۲</sup> و در کتاب الام از حدیث حسن و حدیث مرسل ذکر بعمل آورده و استدلال به حدیث مرسل را قویاً مناقشه کرده است.<sup>۳</sup>

بنا بران امام شافعی اولین کسی است که در علوم حدیث تدوین نموده است، هر چند که به شکل کتاب مستقل و منظم نمی باشد.

### مرحله سوم:- دوره تدوین حدیث:

این مرحله از آغاز قرن سوم هجری شروع و تا نیمه قرن چهارم ادامه می یابد، قرن سوم در واقع عصر طلایی تدوین به حساب می رود، درین قرن علماء به تصنیف احادیث بصورت مستقل و جداگانه پرداختند، کتب مسابند درین عصر تدوین یافت امام بخاری در احادیث صحیح کتاب مستقلی تدوین نمود و امام مسلم نیز احادیث صحیح را جمع و تدوین کرد و همچنان کتب شش گانه مشهور حدیث درین مرحله به رشته تحریر و تألیف درآمد و در همین عصر- هزنوعی از انواع حدیث شکل علم مستقلی را بخود گرفت، مثل علم حدیث صحیح، و علم مرسل، و علم أسماء و کنی و غیره، و در همین مرحله در رجال حدیث و در طبقات و علل تألیفات صورت گرفت، یحیی بن معین (ت-۲۳۴) در تاریخ رجال حدیث تألیف کرد، محمد بن سعد (ت-۲۳۰) در طبقات نوشت و احمد بن حنبل در علل و معرفة الرجال و در ناسخ و منسوخ تألیف نمود و علی بن المدینی در فنون مختلفه حدیث قلم فرسایی کرد که صاحب الرساله المستطرفه به دو صد کتاب رسانید است.<sup>۴</sup> در حقیقت تألیف درین وقت جزء وظیفه هر عالم و امام شده بود، و تألیف همه انواع علوم حدیث را احتواء کرد.

### مرحله چهارم:- عصر تألیفات و تجلی تدوین در همه فنون علوم حدیث.

این دوره که از نصف دوم قرن چهارم شروع و تا اوایل قرن هفتم ادامه دارد عصر بروز تألیفات می باشد و درین عصر- مؤلفات مختلف در انواع حدیث صورت گرفت علماء با مطالعه مؤلفات سلف که اولین تجربه در تدوین بوده است پرداخته و مواد علمی که در مؤلفات سابقه بصورت پراکنده بوده جمع، و مسائل که از ایشان مانده بود استدراک نمودند و در اکثر این تألیفات به اقوال سلف و معلومات آنها اعتماد صورت گرفته است و کتابهای مهم که تا کنون بحیث مرجع درین باب می باشد درین عصر- تألیف شده است که اینک به ذکر بعضی آنها می پردازیم.

1. (الكفاية في علم الرواية) تألیف خطیب بغدادی متوفای ۴۶۳.
2. (الا لماع في اصول الرواية) تألیف قاضی عیاض متوفای ۵۴۴.
3. (المحدث الفاصل بين الراوی والواعی) تألیف قاضی ابو محمد رامهر مزی متوفای ۳۶۰.
4. (مالا یسع المحدث جهله) تألیف ابی حفص عمر بن عبدالمجید المیانجی متوفای ۵۸۰.
5. (معرفة علوم الحدیث) تألیف حاکم ابو عبدالله نیشاپوری متوفای ۴۰۵.

اینها و امثال شان درین دوره تألیف شدند که بحیث مراجع اصلی در فنون علم حدیث درآمدند و فراموش نباید کرد که بارزترین اعلام این عصر- که در واقع کاخ علوم حدیث را استوار و بنیان آنرا محکم کرده اند حاکم نیشاپوری و خطیب بغدادی می باشند که بعد از ایشان دیگران به آنها اقتداء و اعتماد کرده اند.

### مرحله پنجم:- دوره پختگی و کمال در تدوین فن علوم حدیث.

این مرحله شامل سه قرن بوده از قرن هفتم شروع تا قرن دهم ادامه دارد و درین مدت تألیف و تصنیف در علوم حدیث به اوج کمال خود رسید و در انواع مختلف علم حدیث مؤلفات مستقل تألیف گردید، مصنفین این عهد از بزرگترین ائمه کبار بحساب می روند که در حفظ احادیث و شناخت احوال اسناد و متن همپایه ائمه گذشته بوده اند و از مهمترین مؤلفات این دوره میتوان کتابهای ذیل را نام برد:

<sup>1</sup> - منهج النقد ص ۵۹.

<sup>2</sup> - الرساله ص ۳۷۰-۳۷۲ و ۳۷۹-۳۸۳.

<sup>3</sup> - الأم ۸/۵۳۸.

<sup>4</sup> - الرساله المستطرفه ص ۹۵.

1. الارشاد: تأليف امام نووي ت ٦٧٦ هـ.

2. التبصره والتذكرة تأليف عبدالرحيم العراقي متوفى ٨٠٦ هـ.

3. النقييد والايضاح شرح كتاب ابن الصلاح تأليف حافظ العراقي.

4. نخبة الفكر وشرح آن نزهة النظر تأليف ابن حجر العسقلاني ٨٥٢ هـ.

5. فتح المغيب شرح الفية العراقي تأليف شمس الدين محمد السخاوي ٩٠٢ هـ.

6. تدريب الراوي شرح تقريب التووي تأليف جلال الدين السيوطي.

ليكن بايد گفت که راند وقافله سالار اين نهضت علمي امام فقيه اصولي ومحدث ابو عمر وعثمان ابن الصلاح متوفى ٦٤٣ مي باشد که در واقع ابن الصلاح با تأليف کتابش مشهور به مقدمه ابن الصلاح دروازه تأليف را باز کرد که ديگران داخل شدند.

### مرحله ششم:- دوره رکود وجمود.

اين دوره تقريباً چهار قرن را دربر مي گيرد که از اول قرن دهم هجري آغاز و تا اول قرن چهاردهم ادامه مي يابد و درين عهد اجتهاد در مسائل علمي وابتکار در تصنيف متوقف شد وهمتها به ضعف گراييده وطلاب علم بيشتر رغبت به مختصرات نمودند و کتابهاي علمي به صورت نظم ونثر مختصر- گرديد، تحقيق واجتهاد از ميان رفت مؤلفين ونويسندگان بدون تعمق در موضوع وفهم عمق مسائل به مناقشات لفظي عبارات مؤلفين گذشته پرداختند، از ينرو تأليف در علوم حديث نهايت کم به نظري آيد ومؤلفات که درين دوره به ثوب تأليف درآمده قرار ذيل است.

1. (المنظومة البيقونية) تأليف عمر بن محمد بن فتوح البيقوني متوفى ١٠٨٠ هـ.

2. توضيح الافكار- تأليف محمد بن اسماعيل الامير الصنعاني متوفى ١١٨٣ هـ.

3. شرح الشرح تأليف ملا علي بن سلطان الهروي القاري متوفى ١٠١٤ هـ.

که مؤلف، نزهة النظر شرح نخبة الفكر را شرح نموده است.

اما نبايد فراموش کرد که با وجود جمود وکندی حرکت علمي درين عصر در سرزمين هند نهضت که در رأس ان علامه شاه ولي الله الدهلوي متوفى ١١٧٦ هـ قرار داشت در حرکت شد، در بسا از مجالات حديث: در شرح وبسط معاني حديث، در بررسي اسناد و تميز صحيح ومقبول از مردود خدمات ارزنده تقديم گرديد و آنچه بيشتر درين ساحه ديده مي شود سعی بليغ در مورد شرح احاديث وفهم معنای ان واستنباط احكام از احاديث بوده است.

### مرحله هفتم:- دوره تحرک و نشاط.

اين مرحله از آغاز قرن چهاردهم شروع و تا امروز دوام دارد که درين مدت امت اسلامي و علماء يکبار دگر در عرصه تأليف در احاديث گامهاي قوي ومثبتي برداشتند والبتة جهود علماء درين عصر بيشتر نتيجۀ عکس العمل سياسي مستشرقين ودشمنان اسلام در يروپا گند کردن به ضد دين وپخش و اشاعۀ شبهات پيرامون احاديث رسول الله صلى الله عليه وسلم مي باشد اين امر سبب شده که به رد افتراات و دروغهاي مستشرقين وشبهات انها بحثها، رساله ها و کتابهاي تحرير وتأليف گردد که اينک مي توانيم از مهمترين ومفيد ترين اين کتابهاي ابتکاري برخي آنها را ذيلاً نام بگيريم.

1. السنة ومكانتها في التشريع الاسلامي- نوشته دكتور مصطفى السباعي.

2. قواعد الحديث في فنون الحديث- نوشته شيخ جمال الدين القاسمي.

3. الحديث والمحدثون- نوشته دكتور محمد محمد ابو زهو.

4. مفتاح السنة او تاريخ فنون الحديث- نوشته عبدالعزيز الخولي.

5. المنهج الحديث في علوم الحديث- نوشته شيخ محمد محمد السماحي.

6. منهج النقد في علوم الحديث- نوشته دكتور نورالدين عتر.

7. بحوث في تاريخ السنة المشرفة- نوشته دكتور اكرم ضياء العمري.

8. علوم الحديث ومصطلحه- نوشته دكتور صبحي صالح السامرائي.

پس با ذکر مراحل تاريخي علم حديث خواننده محترم درمي يابد که علماء اسلام براي حمل حديث رسول الله صلى الله عليه وسلم وتبليغ آن کوششهاي بس بزرگی را از عهد رسول الله صلى الله عليه وسلم تا امروز در حفظ وضبط حديث ودر بررسي ونقد آن ودر بيط وشرح آن انجام داده اند که اين جهود راه دريافت حديث صحيح را از ضعيف ومقبول را از مردود درهمه ادوار براي هر طالب حديث ومسلمان باز نگهداشته است واين بزرگترين نعمت، اکرام واحسان الهی به امت رسول الله صلى الله عليه وسلم می باشد.

### مآخذ ومراجع

- القرآن الکریم.
- صحيح البخاری للامام البخاری - طبع دارعالم الکتب- رياض- تاريخ الطبع، الطبعة الأولى ١٩٩٦م - ١٤١٧ هـ.
- صحيح مسلم- للامام أبي الحسين مسلم- دارعالم الکتب الرياض ، تاريخ الطبع... ١٩٩٥م - ١٤١٧ هـ.
- جامع ترمذی- للامام الحافظ أبي عيسى الترمذی/ دارالفکر- / الطبعة الثالثة- ١٣٩٨- ١٩٧٨م.
- سنن ابن ماجه تأليف- الألباني/ المكتب الاسلامی بيروت/ الطبعة الأولى ١٤٠٧ هـ - ١٩٣٠م
- سنن ابو داود- للامام أبي داود السجستاني/ نشر وتوزيع محمد علي السيد/ الطبعة الأولى ١٩٦٩م - ١٣٨٨ هـ.
- سنن النسائي- بشرح حافظ جلال الدين السيوطي/ دارالکتب العربي بيروت/ الطبعة الأولى ١٣٤٨ هـ - ١٩٣٠م.

- مسند احمد- للامام أحمد بن حنبل- الطبع - المكتب الاسلام بيروت/ الطبعة الثانية ١٣٩٩هـ - ١٩٧٨م
- موطا مالك- داراحياء التراث العربي بيروت - تاريخ الطبع - ١٤٠٦هـ - ١٩٨٥م.
- مشكاة المصابيح- لمحمد بن عبدالله الخطيب التبريزي - بتحقيق- الاباني- المكتب الاسلامي بيروت/ الطبعة الثالثة ١٤٠٥هـ - ١٩٨٥م.
- سلسلة الاحاديث الصحيحة/ الباني- الدار السلفية - الكويت/ الطبعة الأولى ١٣٩٩هـ - ١٩٧٩م.
- المعجم الكبير/ طبراني/ الطبعة الثانية ١٩٨٤م - ١٤٠٤هـ.
- كنز العمال / المكتب الاسلامي بيروت/ الطبعة الأولى ١٣١٣هـ - ١٨٩٦م
- فيض القدير/ عبدالرؤف المنادي/ دارالمعرفة بيروت ١٢٩١هـ - ١٩٧٢م الطبعة الثانية.
- تحفة الاحوذى/ مباركفوري/ المكتبة السلفية المدينة المنورة / الطبعة الثانية.
- الترغيب والترهيب منذري/ دارالكتب العالمية بيروت/ الطبع الأولى. ١٤٠٦هـ - ١٩٩٦م.
- الكواكب الدراري شرح صحيح البخاري/ كرمانى محمد بن يوصف بن علي/ دارالكتب العلمية بيروت ١٣٨٨هـ الطبعة الثانية.
- منهج النقد في علوم الحديث/ دكتور نورالدين عتر- دارالفكر دمشق سورية/ الطبعة الثالثة ١٤١٣هـ - ١٩٩٢م.
- تدريب الراوي/ جلال الدين المسبوطي- دارالكتاب العربي/ الطبعة الأولى بيروت ١٤٠٥هـ - ١٩٨٥م.
- فتح المغيث شرح الفية الحديث / شمس الدين محمد بن عبدالرحمن السخاوي/ المكتبة السلفية ١٣٩٨هـ - ١٩٨٧م الطبعة الأولى.
- نزهة النظر شرح نخبة الفكر /ابن حجرعسقلاني/ دارالكتب العلمية بيروت ١٣٩٨هـ الطبعة الأولى.
- شرح شرح النخبة /ملاعلي القاري دارالكتب العلمية ١٣٩٨هـ.
- تيسيرمصطلح الحديث /دكتورمحمود الطحان /مكتبة المعارف الرياض طبع ١٩٩٤، ١٤١٧
- الجرح والتعديل /ابن ابى حاتم الرازي /دارالكتب العلمية بيروت /الطبعة الأولى (١٩٨٨)(١٤٠٨هـ)
- مفتاح السنة او تاريخ فنون الحديث /محمدعبدالعزيز الخولي ،مكتبة المعارف ،الرياض (١٩٨٣)(١٤٠٣)
- الرسالة المستطرفة /المولانا سيدمحمد بن جعفرالكتاني / دارالكتب العلمية/المطبعة الأولى سنه الثانية (١٣٣٢)(١٤٠٠هـ)
- الحديث والمحدثون محمد محمدابوزهو-دارالكتب العربي بيروت /تاريخ الطبع - ١٤٠٤ ١٩٨٤هـ .
- السنة ومكانتها في التشريع الاسلامي /دكتورمصطفى السباعي / المكتب الاسلامى بيروت ١٢٩٦هـ الطبعة الثانية.
- قواعد التحديث من فنون مصطلح الحديث / دارالكتب العلمية ١٣٩٤هـ - ١٩٧٤م الطبعة الثالثة.
- منهج النقد عندالمحدثين نشأة وتاريخه /محمدمصطفى الاعظمي مكتبة الكوثر السعودية /١٤١٠.
- مباحث في الجرح والعذيل ابولبابه حسين.
- الكفاية في علم الرواية/ الخطيب البغدادي/ دارالكتب العلمية ١٢٨٨هـ - ١٩٧٤م الطبعة الثالثة.
- السنة قبل التدوين محمد حجاج الخطيب /دارالفكربيروت/المطبعة الأولى ١٢٨٣هـ - ١٩٧٤م.
- علوم الحديث .ابن صلاح/ دارالفكر بيروت ١٣٠٦ الطبعة الثالثة.
- شرح معاين الآثار - للطحاوي / دارالكتب العلمية - ١٤٠٧هـ